

## چند نکته در مورد مقاله «آب و سرمایه»

### نوشته رفیق فریده ثابتی، فعال جنبش لغو کار مزدی



کارگران ضد سرمایه داری / دیماه ۱۴۰۰

جزء ثابت کل سرمایه اجتماعی هر کشور و سرمایه جهانی است. عنصری از اجزاء متشکله سرمایه که تفاوت فاحش آن با سایر اجزاء در بی هزینه بودن یا هزینه بسیار نازلش برای طبقه سرمایه دار است. آب به مثابه جزئی از سرمایه ثابت با این مختصات نقش سرنوشت سازی در بالا بردن نرخ سود سرمایه های هر کشور یا کل سرمایه جهانی دارد. هزینه تولید را تنزل می دهد و با فرض ثابت ماندن عوامل دیگر چرخه تولید، نقش کاملا خیره کننده ای در افزایش حجم و ارزش محصول، اضافه ارزشها و سرمایه الحاقی سالانه بازی می کند.

۲- مقاله، از آب و سرمایه حرف می زند، عبارت سرمایه شدن آب را بر قلم می راند، اما آنچه به ذهن خواننده متبادر می کند فقط کالا شدن آب است، جملاتی مانند «آب خرید و فروش می شود، در بطری می رود، حبس لوله ها می گردد، پول نداشته باشی نمی خری، دهقان بی پول مزرعه اش بی آب می ماند» و مانند اینها هیچ کدام الفاظی نیستند که هویت سرمایه ای آب را بیان کنند. تأثیر کالاپنداری و غیرسرمایه بینی این جملات ده چندان می شود وقتی به خاطر آریم

مقاله فریده در شماره ۴۹ نشریه چاپ شد. زحمت تهیه و نگارش آن را عمیقاً راج می گذاریم، همزمان ملاحظیات نشریه را در باره برخی نکات، بسیار به اختصار توضیح می دهیم.

۱- «طبیعت نه مقهور انسان بلکه مقهور سرمایه شده است»

نوع و چگونی رابطه انسان با طبیعت، در همین راستا شکل، وسعت یا ابعاد اثرگذاری و دخالت بشر در منابع طبیعی، تاریخاً توسط شکل مسلط تولیدی هر عصر مشخص و تقریر شده است. با رشد اقتصاد کالائی، ظهور طبقات و پیدایش جامعه طبقاتی، خروج طبیعت از دسترس استشارشوندگان و فرودستان نیز پروسه بسط و تکامل خود را آغاز نمود. زمین، آب، مراتع و چراگاهها، آبشارها، چشمه ها تا آنجا که شیوه تولید مسلط اقتضا می کرد مهر مالکیت طبقه حاکم را خورد و بهره گیری آزاد انسانها از آنها ممنوع گردید. آنچه در سرمایه داری رخ داده و در طول عمر این نظام لحظه به لحظه هیولائی تر شده است، سرمایه شدن آب با معنای دقیق مارکسی آن است. آب سرمایه است به این معنی که عنصری از عناصر تشکیل دهنده

که هر تریبون، محفل، گروه، حزب، دولت، انستیتو، دانشگاه، بلوک بندی، قدرت و نهادی که از آب می گوید یگراست به تخریب قدرت شناخت و تشخیص طبقاتی کارگران می پردازد. در چنین وضعی، فعال ضد سرمایه داری طبقه کارگر برای اثرگذاری رادیکال بر جنبش روز همزنجران باید نسبت به شفافیت، ریشه کاوی و بار مارکسی نقد و تحلیل خود حساسیت نشان دهد. با تحلیل، زبان و ادبیات بورژوازی نمی توان کار آگاهگرانه ضد کار مزدی کرد. جملات و مفاهیمی از نوشته در همین بخش، بیش از آنکه بار ضد سرمایه داری داشته باشند، نوعی سوسیال رمانتیسیم نستالوژیک را تداعی می کنند. به خاطر داشته باشیم که استعمار شوندهگان و فرودستان در هیچ روزگاری هیچ روز خوبی نداشته اند. وقتی آب سرمایه نبود هم زنان آب شرب خانه ها را مشکهای سنگین بر دوش، از فرسنگها راه به خانه می آوردند.

۳- مقاله، فاجعه شدن سرنوشت آب را بیشتر به خصوصی شدن منابع آب قفل می زند!! به خوانند القاء می کند که اگر فوق کنسرن ها ذخائر آب دنیا را تصاحب نمی کردند، فاجعه ای رخ نمی داد!! تردیدی نیست که نویسندگان چنین عقیده ای ندارد، اما از این گزارش و تحلیل برداشت دیگری هم قابل استخراج نیست.

۴- گفته شده که «سرمایه یک جا آب را آلوده می کند تا جای دیگر برای سرمایه های دیگر کار ایجاد نماید». این هیچ شباهتی به نقد رادیکال، مارکسی و کارگری سرمایه ندارد، مالک کارخانه ذوب آهن یا تراست عظیم فولاد آب را آلوده نمی کند تا سرمایه دار دیگری بتواند سرمایه اش را در

پاکسازی آب پیش ریز کند. این تحلیل مستقل از اینکه ما چه فکر کنیم و چه نیتی داشته باشیم عملاً سرمایه را تیره و سرمایه دار را بانی خیانت سرمایه معرفی می کند!! ماجرا معکوس است و این شکل تحلیل نه کار آگاهگرانه که القاء باژگونه واقعیت در شعور توده کارگر است. سرمایه در جستجوی سود، خودافزائی و اضافه ارزش هر چه انبوه تر ذوب آهن تولید می کند. خوراک، پوشاک، مواد مخدر، بمب اتم، کامپیوتر یا هر چیز دیگر می سازد. در کلیه این عرصه ها فقط به سود، افزایش سود و سرمایه افزون تر فکر می کند. کل بشرستیزی سرمایه همین جا قرار دارد. رابطه تولید سود است، رابطه ای که در نطفه، ضد انسانی و ساقط کننده انسان از تعیین سرنوشت کار، تولید و زندگی خود است. سرمایه دار با هدف آلوده کردن آب، تخریب زمین، خشکاندن چشمه ها، از بین بردن جنگلها یا نابودی طبیعت وارد میدان نمی شود، کل اینها عوارض قهری، جبری، جدائی ناپذیر و غیرقابل گریز تولید سرمایه داری هستند. سرمایه در وجود خود منشأ، موجد و عامل این آلودگی ها و ویرانی ها است. سرمایه است که چنین می کند و سرمایه دار فقط آن می کند که سرمایه می خواهد. مقاله نقش ها را جا به جا می نماید و با این کار فاجعه وجود سرمایه داری را در فاجعه خبیث بودن سرمایه داران خلاصه می سازد!!

۵- بخش قابل توجهی از مقاله بر روی بد مصرف شدن و توزیع نادرست آب متمرکز است. این بخش به ویژه در کنار سایر نکات مقاله، چیزی که القاء می کند همانست که ورد کلام جنبشهای خواهان مدیریت انسانی تر آب در دنیا هستند!!